

جزوه گزیده مواد قانونی در اصول فقه

منتشر شده در وبسایت حقوقی حق جو



جهت ورود به سایت حق جو **کلیک** کنید



حق جو را در اینستاگرام

فالو کنید

اینجا

اصول فقه

گزیده مواد قانون (حقوق موضوعه) در اصول فقه



سایت حقوقی حق جو
www.haqjoo.ir

تألیف: استاد محمدبخشی

مؤسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه

www.tarhenovin.net

فصل اول: وضع الفاظ

الف: ترادف ← استعمال الفاظ متعدد در معنای واحد

الف - ۱: الفاظ غلط و اشتباه در ماده ۱۲۷۷ ق.م: «انکار بعد از اقرار مسموع نیست، لکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه و غلط بوده شنیده می‌شود...».

الف - ۲: الفاظ شکار و صید در ماده ۶۸۰ ق.م: «هر کس برخلاف مقررات و بدون مجوز اقدام به شکار یا صید حیوانات...».

الف - ۳: الفاظ محاربه و مفسد فی الارض در ماده ۱۹۰ ق.م: «حد محاربه و مفسد فی الارض یکی از چهار چیز است...».

الف - ۴: اصل عدم ترادف: اصل بر این است که هر لفظی در معنای واحد وضع گردید، لذا بر این اساس اصل این است که اگر در کلام متکلم یا قانونگذار یا شارع اگر الفاظی مشابه به کار رود، حمل بر عدم ترادف می‌کنیم (رأی شماره ۷۴ سال ۱۳۴۶ هیأت عمومی دیوانعالی کشور که مقرر می‌نماید ذکر کلمات مترادف و دارای معنی و مفهوم واحد در قانون غیر معقول است).

الف - ۵: الفاظ عقود و معاملات در ماده ۱۸۴ ق.م «عقود و معاملات به اقسام ذیل منقسم می‌شود...»

ب: اشتراک لفظی ← لفظی واحد که دارای معانی متعدد است

ب - ۱: لفظ اهلیت در ماده ۲۱۰ که در معنای اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء است

ماده ۲۱۰ ق.م: «متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند».

قرینه صارفه (ممیز بین استعمال مجازی از استعمال حقیقی)	ج - استعمال مجازی
علاقه (ممیز بین استعمال مجازی و استعمال غلط)	

ج - ۱: قرینه صارفه:

۱- ماده ۱۸ قانون کار ← لفظ توقیف قرینه‌ای است که ذهن را از معنی حقیقی مراجع حل اختلاف یعنی مراجع حل اختلاف کارگری منصرف و به سمت معنای مجازی دادگستری سوق می‌دهد زیرا توقیف در انحصار دادگاه دادگستری است.

ماده ۱۸ قانون کار: «چنانچه توقیف کارگر به سبب شکایت کارفرما باشد و این توقیف در مراجع حل اختلاف منتهی به حکم محکومیت نگردد...».

۲- لفظ ممیز در ماده ۳۹۵ ق.آ.د.م: که دلالت بر معنای مجازی رسیدگی کننده یعنی دیوان عالی کشور دارد ماده ۳۹۵ ق.آ.د.م: «در موقع رسیدگی، عضو ممیز گزارش پرونده و مفاد اوراقی...».

ج - ۲: علاقه به عنوان یکی از شرایط استعمال مجازی

ماده ۱۱۷۱ ق.م: لفظ قیم مجازاً استعمال شده که در اینجا معنی وصی است (علاقه شباهت)

ماده ۱۱۷۱ ق.م: «در صورت فوت یکی از ایوبین، حضانت طفل با آن که زنده است خواهد بود هر چند متوفی، پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد».

ماده ۳۳۹ ق.م: لفظ بیع و مشتری در عقد بیع که هنوز ایجاب و قبولی واقع نشده که مجازاً استعمال شده (علاقه مشارفت)

ماده ۳۳۹ ق.م: «پس از توافق بیع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود...».

ماده ۱۲۴۵ ق.م: لفظ قیم به صورت مجازی به کار رفته زیرا پس از رفع حجر اصطلاح قیم حقیقت ندارد (علاقه ماکان)

ماده ۱۲۴۵ ق.م: «قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر به مولی علیه سابق خود به...»

ماده ۱۰۲۵ ق.م: اطلاق وراثت به افرادی قبل از صدور حکم موت فرضی مجازاً به کار رفته (علاقه مشارفت)

ماده ۱۰۲۵ ق.م: وراثت غایب مفقودالاثر می‌توانند قبل از صدور حکم موت فرضی...»

ماده ۱۰۴۳ ق.م: اصطلاح اجازه که مجاز است در معنی اذن (علاقه مشابهت).

ماده ۱۰۴۳ ق.م: «عقد نکاح دختر باکره، اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست...».

ماده ۱۰۱۳ ق.م: اصطلاح ضامن مجازاً به کار رفته

ماده ۱۰۱۳ ق.م: محکمه می‌تواند از امینی که معین می‌کند تقاضا و ضامن یا تضمینات دیگر نماید.

ماده ۸۰۸ ق.م. اصطلاح قیمتی مجازاً به کار رفته، زیرا منظور ماده معادل قیمت است نه خود آن (علاقه مشابهت)
ماده ۸۰۸ ق.م. هر گاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصه بیع به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده ...».

ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. به جای دادخواست مجازاً درخواست را به کار برده (علاقه مشابهت)

ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است به جهات ذیل درخواست اعاده دادرسی شود.

ماده ۲۳۱ ق.آ.د.ک: اختصاصی بودن شعبه دادگاه عمومی در غیرمعنی حقیقی به کار رفته زیرا در دادگاه عمومی شعب اختصاصی نداریم.

ماده ۲۳۱ ق.آ.د.ک: «اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه‌های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نمی‌باشد».

ماده ۹۴۴: کلمه زوجه در معنی مجازی به کار رفته است، زیرا بعد از طلاق کاربرد لفظ زوجه مجازی است (علاقه ماکان)

ماده ۹۴۴ ق.م: اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه از او ارث می‌برد.

د - حقیقت قانونی: قانونگذار لفظی را از معنی لغوی یا عرفی چه او در معنی مورد نظر تثبیت می‌نماید (معنی منظور قانونگذار)

د - ۱: لفظ کارگر در ماده ۲ ق کار

د - ۲: لفظ اقامتگاه در ماده ۱۰۰۲ ق.م

د - ۳: تعریف حکم و قرار در ماده ۲۹۹ ق.آ.د.م

د - ۴: اصطلاح مؤلف و مصنف در ماده ۱ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان

د - ۵: واژه مهر المتعه در ماده ۱۰۹۳ ق.م

د - ۶: واژه اوراق قرضه در مواد ۵۱ و ۵۲ لایحه اصلاح موادی از قانون تجارت

د - ۷:

ه: اصالة الحقیقه: هر گاه تردید در مقصود و مراد متکلم داشته باشیم که منظورش معنی حقیقی لفظ بوده یا معنی مجازی، اصل بر این است که مقصودش معنی حقیقی بوده است.

ه - ۱: اصل ۱۱۵ ق.ا: اصطلاح رجال که اصل بر معنی حقیقی یعنی مرد است.

ه - ۲: ماده ۶۷۵ ق.م.ا: اصطلاح اشجار که اصل بر معنی حقیقی یعنی درخت کاشته شده است.

ه - ۳: ماده ۶۸۴ ق.م.ا: اصطلاح محصول که اصل بر معنی حقیقی یعنی محصول روئیده شده است.

ه - ۴: ۹۱۵ ق.م: اصطلاح پسر که اصل بر معنی حقیقی یعنی فرزند مذکر بلا واسطه

ه - ۵:

و - دلالت تصدیقی: دلالت لفظ بر معنایی که مقصود و مراد متکلم است.

و - ۱: در ماده ۱۲۰۷ ق.م قانونگذار منظور خاصی از محجور را اراده کرد (صغار - اشخاص غیررشید - مجانین)

و - ۲: در ماده ۳۹۶ ق.م قانونگذار از عبارت خیار منظور خاصی را اراده کرده (اختیار فسخ معامله)

و - ۳: در ماده ۱۸۳ ق.م قانونگذار از عبارت عقد مفهوم خاص را اراده کرده (یک یا چند نفر در مقابل یکدیگر تعهد به امری نمایند)

و - ۴: ماده ۱۹۲ ق.م و ۱۹۳ ق.م ← مبین کاربرد دلالت تصدیقی (عقلی) است.

فصل دوم

الف: معنی و کاربرد واژه «امر»

ماده ۵۶ ق.م.ا: امر آمر قانونی	الف - ۱: امر به معنی دستور که جمع آن اوامر است.
ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری سابق = احکام و اوامر مافوق	
ماده ۱۲۶۹ ق.م: اقرار به امری که عقلاً و عادتاً ممکن نباشد	الف - ۲: امر به معنای شیء که جمع آن امور است
امر به معنای فعل ← ماده ۲۲۱ ق.م: اگر کسی اقدام به امری بکند	الف - ۳: امر به معنای فعل

ب: امر در قالب جمله خبری: امری است که در آن از فعل امر استفاده نشده ولی در مقام انشاء و بیان امر است.

ب - ۱: امر در قالب جمله خبری با استفاده از قیود الزام (استفاده از واژه‌های دستوری)

قیود الزام مانند ← باید، موظف است، لازم است، مکلف است.

۱- ماده ۱۱۷۷ ق.م: طفل باید مطیع ابویین خود بود ...

۲- ماده ۱۰۱ ق.م.ا: لازم است عده‌ای از مؤمنین که ...

۳- اصل ۱۶۷ ق.ا: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا ...

۴- ماده ۱۲۴۴ ق.م: قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی العموم یا نماینده او به ...

۵- ماده ۱۲۳۶ ق.م: قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی‌علیه ...

۶- ماده ۶۶۸ ق.م: وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد.

۷- ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک: ... قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام ...

مواد ۶۴ ق.ا، ۴۶۸، ۲۱۰، ۴۷۲، ۴۷۳ ق.م و مواد ۲۱۹ و ۲۲۷ تا ۲۳۰ ق.م.ا

ب - ۲: امر در قالب جمله خبری (غیرانشایی) بدون استفاده از قیود و واژه‌های دستوری و الزام

۱- ماده ۲۲۴ ق.م (الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفی)

۲- ماده ۲۹۵ ق.م.ا: (در موارد زیر دیه پرداخت می‌شود) یعنی در موارد زیر پرداخت دیه الزامی است.

۳- ماده ۲۴ ق.آ.د.ک: (ضابطین دادگستری، نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رساند)

۴- ماده ۲۶ ق.آ.د.ک: (در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل شده باشد، پرونده‌ها توسط رئیس حوزه قضایی به شعب ارجاع می‌شود)

۵- ماده ۳۳ ق.آ.د.ک: قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رئیس حوزه قضایی محل یا معاون وی می‌رسد.

۶- ماده ۷۸ ق.آ.د.ک: معاینه محل توسط قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری یا اهل خبره انجام می‌شود.

۷- ماده ۱۲۳۵ ق.م: مواظبت شخص مولی‌علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی او با قیم است.

۸- ماده ۲۲۵ ق. تجارت: تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود.

ج - دلالت امر بر فوریت و تراخی

ج - ۱: دلالت امر بر فوریت

ج - ۱ - ۱: تصریح به فوریت (الفاظی مانند فوری، فوراً، بلافاصله، بی‌درنگ، در اسرع وقت)

۱- ماده ۸۰ ق.م.ا: حد زنا جز در موارد مذکور در موارد آتی باید فوراً جاری گردد.

۲- ماده ۴۲۰ ق.م: خیار غبن بعد از علم بدان فوری است.

۳- ماده ۴۳۵ ق.م: خیار عیب بعد از علم بدان فوری است.

۴- ماده ۸۲۱ ق.م: حق شفعه فوری است.

۵- ماده ۶۴ ق.آ.د.م: مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده، آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد.

۶- ماده ۱۷۵ ق.آ.د.م: در صورتی که رأی صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق باشد، بلافاصله به دستور مرجع صادرکننده اجرا خواهد شد.

۷- ماده ۳۰۰ ق.آ.د.م: مدیر دفتر موظف است فوری پس از امضای دادنامه، رونوشت آن را به تعداد اصحاب دعوا و قیمه ...

- ۸- ماده ۴۱۵ ق.م: خیار روئیت و تخلف وصف بعد از رؤیت فوری است.
- ۹- ماده ۱۱۳۱ ق.م: خیار فسخ فوری است ...
- ۱۰- ماده ۵۰ ق.آ.د.م: هر گاه دادگاه دارای شعب متعدد باشد مدیر دفتر باید فوری پس از ثبت دادخواست ...
- ۱۱- ماده ۱۱۷ ق.آ.د.م: قرار تأمین باید فوری به خواننده ابلاغ و پس از آن اجرا شود.
- ج - ۱ - ۲: عدم تصریح به فوریت (احراز فوریت از قرائن و اوضاع و احوال)
- ۱- ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک: متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود ...
- ۲- ماده ۱۱۰۲ ق.م: همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.
- ۳- ماده ۱۰۸۲ ق.م: به مجرد عقد، زن ماکر مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.
- ۴- ماده ۱۰۶۵ ق.م: توالی عرفی ایجاب و قبولی شرط صحت عقد است.
- ۵- ماده ۱۰۳۷ ق.م: هر یک از نامزدها می‌تواند در صورت به هم خوردن وصلت منظور، هدایا را مطالبه کند.
- ج - ۲: دلالت امر بر تراخی (تأخیر) یا غیرفوری
- ج - ۲ - ۱: دلالت امر بر تأخیر بنا بر تصریح واضح (متکلم)
- ۱- ماده ۲۵۲ ق.م: اجازه یا رد مالک لازم نیست فوریت داشته باشد، اما اگر این تأخیر ...
- ۲- ماده ۳۰۲ ق.م: مهلت پرداخت دیه به شرح ذیل است ...
- ۳-
- د - دلالت امر بر مره و تکرار
- د - ۱: دلالت امر بر مره (یک بار انجام واجب از ناحیه مکلف کافی است)
- د - ۱ - ۱: تصریح به مره
- ۱- ماده ۱۲۴۴ ق.م: قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی العموم یا نماینده او بدهد.
- ۲- ماده ۹۹ ق.آ.د.م: دادگاه می‌تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوی فقط برای یک بار به تأخیر اندازد.
- ۳-
- د - ۱ - ۲: دلالت امر بر تکرار
- د - ۱ - ۱: دلالت امر بر تکرار بنا بر تصریح واضح
- ۱- ماده ۱۰۲۳ ق.م: آگهی‌های نوبتی به شرط تکرار و من حیث المجموع مورد نظر قانونگذار می‌باشد.
- درایت امر بر تکرار بموجب قرائن ماده ۱۱۰۳ ق.م: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.
- ه: انواع واجب
- ه - ۱: واجب عینی
- ۱- ماده ۶ قانون تجارت: «هر تاجری باید دفاتر بازرگانی داشته باشد ...».
- ۲- ماده ۵ ق.م: کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران می‌باشند.
- ۳- ماده ۱ قانون نظام وظیفه عمومی سال ۱۳۶۳ = انجام خدمت نظام وظیفه عمومی وظیفه هر فرد ذکور ایرانی
- ۴- ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک: متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود ...
- ۵- ماده ۱۱۵۷ ق.م: زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده نگه دارد.
- ه - ۲: واجب کفایی
- ۱- ماده ۱۲۲۰ ق.م: در صورت نبودن هیچیک از ابوبین یا عدم اطلاع آن‌ها، انجام تکلیف مقرر در ماده قبل بر عهده اقریاست.
- ۲- ماده ۲۶۷ ق.م: ایفای دین از جانب غیرمدیون هم جایز است ...
- ۳- ماده ۱۲۰۰ ق.م: نفقه ابوبین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.
- ه - ۳: واجب تبعی
- ۱- ماده ۶۴۵ ق.م: به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است.

- ۲- بند ۳ ماده ۳۶۲ ق.م: عقد بیع با بیع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید.
- ۳- ماده ۴۷۰ ق.م: در صحت اجاره قدرت بر تسلیم عین مستأجره شرط است.
- ۴- ماده ۴۷۶ ق.م: موجر باید عین مستأجره را تسلیم مستأجر کند.
- هـ - ۴: واجب تعیینی
- ۱- ماده ۳۱۱ ق.م: غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آنرا رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آنرا بدهد. (در این ماده تمام تعهدات در طول یکدیگرند و معین شده و نوع بدل طولی است نه عرضی)
- ۲- ماده ۳۲۸ ق.م: هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد ... (در اینجا نیز واجب تعیینی است اگر مال مثلی باشد مثل و اگر قیمی باشد قیمت)
- ۳- ماده ۱۰۹۲ ق.م: هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.
- ۴- اصل ۱۶۷ ق.ا = که منابع صدور احکام قضایی در طول یکدیگرند (بدل طولی)
- هـ - ۵: واجب تخییری
- ۱- ماده ۲۹۷ ق.م.ا: دیه یکی از امور شش گانه ذیل است که جانی در انتخاب آن مخیر است.
- ۲- مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ ق.م.ا: حد محاربه و مفسد فی الارض یکی از امور چهارگانه ذیل است که قاضی مخیر در انتخاب آن هاست.
- ۳- ماده ۲۷۹ ق.م: اگر موضوع تعهد عین شخصی نبود و کلی باشد متعهد مجبور نیست که از فرد اعلائی آن ایفا کند.
- ۴- ماده ۱۶۳ ق.م: اگر قیمت مال پیدا شده یک درهم ... مشارالیه مختار است که آنرا به طور امانت نگه دارد یا تصرف دیگری در آن بکند.
- ۵- ماده ۴۱۰ ق.م: هر گاه کسی مالی را ندیده باشد و آن را فقط به وصف بخرد بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد مختار می‌شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید و
- ۶- ماده ۶۴۰ ق.م.ا: اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال ...
- هـ - ۶: واجب موسع
- ۱- ماده ۳۰۲ ق.م.ا: مهلت پرداخت دیه ...
- ۲- ماده ۲۹۵ ق.آ.د.م: پس از اعلام ختم دادرسی در همان جلسه در غیر این صورت ظرف یک هفته دادگاه انشاء و اعلام رأی می‌کند.
- هـ - ۷: واجب مضیق
- ماده ۶۴ ق.آ.د.م: مدیر دفتر پس از تکمیل پرونده باید فوراً آن را در اختیار دادگاه قرار دهد.
- ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک: متهم موظف است در موعد مقرر در دادگاه حاضر شود.
- هـ - ۸: واجب غیر موقت.
- ماده ۹ قانون مجازات اسلامی: مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده ... به صاحبش رد نماید.
- هـ - ۹: واجب مشروط
- ۱- ماده ۱۱۹۸ ق.م: کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد.
- ۲- ماده ۱۱۰۸ ق.م: هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.
- ۳- ماده ۲ ق.آ.د.م: هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع رسیدگی به دعوا را درخواست نمایند.
- هـ - ۱۰: واجب مطلق
- ۱- ماده ۱۱۰۳: زن و شوهر مکلف به حس معاشرت با یکدیگرند.
- و: نواهی
- و - ۱: نهی انشایی: معمولاً به صورت کلی و به صیغه غایب نوشته می‌شود که بیشتر در دستورالعمل‌های اداری و غیراداری مرسوم است.
- و - ۲: نهی اخباری (غیرانشایی) ← با استفاده از کلمات و قیود منفی (نباید - مجاز نیست - نمی‌شود - نمی‌توان - حق ندارد) مجاز نیست: اصل ۳۸ ق.ا

نمی‌شود: ماده ۹۷ ق.م.ا

نمی‌توان: اصل ۳۲ ق.ا

نمی‌تواند: مواد ۱۱۹۲ و ۱۲۳۳ ق.م

- با استفاده از کلمات و قیود نهی مثبت (ممنوع است، حرام است.

اصول: ۲۳، ۲۵، ۳۸، ۳۹ قانون اساسی

مواد ۱۰۴۵ و ۱۰۴۸ ق.م

ماده ۷۹ قانون کار

- به وسیله جعل مجازات ← مواد ۲ و ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی

- به صورت خبر = ماده ۱۱۱۷ ق.م

ز: مواردی که موجب فساد است (در معاملات یا توصیلات)

مواد ۱۰۴۵، ۱۰۵۹، ۱۰۱۷، ۶۴۷، ۶۳۳، ۱۲۳۱ ق.م



فصل سوم: مفهوم و منطوق

الف: منطوق

الف - ۱: منطوق حریم در حالت دلالت تضمن

مواد ۲۱۴، ۲۱۵ و ۲۱۶ ق.م

الف - ۲: منطوق غیرصریح (دلالت التزامی - دلالت سیاقی) به طور کلی مواد ۶۱۷، ۱۰۴ - قاعده حقوقی اذن در شی اذن در لوازم آن است.

منطوق غیرصریح در حالت دلالت اقتضاء

مواد ۴۲۰، ۴۳۵، ۸۲۱ ق.م (در تقدیر بودن واژه اعمال)

ماده ۹۷۵ ق.م (در تقدیر بودن قاضی)

ماده ۶۵۴ ق.م (در تقدیر بودن کلمه جنون)

اصل ۲۳ (در تقدیر بودن عبارت منع تفتیش عقاید)

منطوق غیرصریح در حالت دلالت تنبیه و ایما

ماده ۸۴۰ ق.م: (ملاک بطلان بودن وصیت است در وصیت تملیکی نیز ممکن است وجود داشته باشد).

ماده ۶۹۱ ق.م: (ممکن است دلیل بطلان ایجاد نشدن سبب باشد).

ماده ۱۲۴۶ ق.م: (ممکن است علت اداره امور محجور باشد)

منطوق غیرصریح در دلالت اشاره

مواد ۸۲۱ و ۸۰۸ ق.م که دلالت دارند بر اینکه اسرار، اهمال و ماطله در تأدیه ثمن از طرف شفیع حق شفعه را ساقط می‌کند. رابطه مواد ۴۷ و ۴۸ قانون

ثبت با ماده ۱۱۷ همان قانون.

ب: مفهوم موافق برتر یا اولویت (قیاس اولویت)

۱- ماده ۹۵۴ ق.م: مستفاد از ماده ۹۵۴ ← جنون به طریق اولی موجب فسخ است.

۲- ماده ۱۰۴۸ ق.م: مستفاد از ماده ۱۰۴۸ ← جمع بیش از دو خواهر به طریق اولی ممنوع است.

۳- مستفاد از ماده ۲۴۹ ق.م: اظهار رد به طریق اولی اجازه محسوب نمی‌شود.

۴- مستفاد از ماده ۲۰۳ ق.م: اگر از طرف یکی از معامله‌کنندگان باشد به طریق اولی غیرنافذ است.

۵- مستفاد از ماده ۲۷۵ ق.م: به طریق اولی در تعهدات نمی‌توان

۶- مستفاد از ماده ۳۱۵ ق.م: به طریق اولی اگر مستند به فعل غاصب باشد مسؤولیت دارد.

۷- مستفاد از ماده ۳۱۶ ق.م: به طریق اولی اگر عالم باشد مسؤولیت دارد.

۸- مستفاد از ماده ۴۱۷ ق.آ.د.م: به طریق اولی اعتراض به قرار را نیز در بر می‌گیرد.

۹- مستفاد از ماده ۱۱۸۵ ق.م: به طریق اولی اگر وصی محجور شود باید تعیین قیم برای صغیر شود.

۱۰-

مفهوم موافق ساده (قیاس مساوات)

مستفاد ماده ۶۹۱ ق.م ← قابل تسری: به حواله دین

مستفاد از ماده ۳۸۷ ق.م: قابل تسری در مورد تلف ثمن معین قبل از قبض

د - مفهوم مخالف

د - ۱: جمله شرط (شرط نحوی یا ادبی) = عدم و وجود شرط یا مقدمه ملازمه دارد با عدم و وجود مشروط و ذی‌المقدمه

انتفاء شروط باعث انتفاء حکم شود

مواردی که جمله شرط مفهوم دارد

شرط علت منحصر، یا تنها علت در مشروط باشد

۱- مواد ۴۳۹، ۱۱۳۰، ۳۹۸، ۸۳۹، ۷۷۸، ۶۱۹، ۱۰۶۶، ۱۲۷۳، ۲۷۳، ۲۷۴، ۵۹، ۴۰۲، ۳۳۶، ۱۱۰۸، ۹۴۰، ۱۶۸، ۴۱۸ ق.م

۲- مواد ۸۸ و ۱۲ ق.آ.د.ک

- ۳- مواد ۲۲۳، ۹۲، ۲۷۷، ۲۸۱، ۶۵۴، ۱۸۲، ۱۵۴
- ۴- ماده ۲۳۴ ق. تجارت
- ۵- ماده ۴۶ ق. ثبت
- مواردی که جمله شرط مفهوم ندارد
- ۱- وجود عبارت شرط ← مواد ۸۷۶ ق.م، ۱۹۱ ق.م، ۱۹۸ ق.م، اصول ۲۶ و ۲۷ ق.ا
- ۲- شروط متعدد (غیرانحصاری) - مواد ۲۰۵ و ۲۴۰ ق.م - ماده ۲۶۶ ق.م.ا
- ۳- انتفاء شرط باعث انتفاء موضوع حکم شود ماده ۱۳۱ ق.م
- د - ۲: جمله غایت: مفهوم مخالف دارد، مفهوم مخالف آن قابل استناد بوده و حجیت دارد.
مواد - ۳۹۸، ۱۱۴۵، ۶۸۰ ق.م (دخول غایت در معنی که مسلم نیست)
- ماده ۴۲۱ ق.م.ا
- مواد ۲۳۶، ۱۷۳ ق.آ.د.ک
- ماده ۲۸۰ ق.ت
- ماده ۱ قانون راجع به حفظ آثار ملی ۱۳۰۹ (تا اختتام دوره زندیه)
- مواد ۱۰۷ و ۳۳۶ ق.آ.د.م و ۸۷ و ۹۰ ق.آ.د.م
- د - ۳: جمله حصر = مفهوم مخالف دارد یعنی می‌توان به مفهوم مخالف آن استناد کرد پس مفهوم جمله حصر حجیت دارد
مواد ۱۱۰۵، ۶۱۷، ۸۶۰، ۹۶۱ و ۳۳۲ ق.م
- ماده ۱۷۴ ق.م.ا
- مواد ۳۵۷ و ۴۴۱ ق.آ.د.م
- اصول ۳۶ و ۱۳ ق.ا
- ماده ۵۱ ق.آ.د.ک
- ماده ۴۲ ق. کار
- د - ۴: جمله استثناء = مفهوم مخالف آن قابل استناد است و حجیت دارد
اصل ۱۶۵ ق.ا
- ماده ۱۶۴ ق.م.ا
- ماده ۷۵۴ ق.م
- د - ۵: جمله وصف = غالباً مفهوم ندارد ولی استثنائاً مفهوم دارد
اوصاف تقییدی (مقید شدن به اوصافی) مفهوم دارد (مفهوم قیدی) مفهوم دارند.
- ۱- اصول ۴۷، ۲۴، ۲۷ ق.ا
- ۲- مواد ۹۶۹، ۱۱۳۴، ۱۰۵۴، ۲۴، ۳۶۰، ۱۹۱، ۱۱۶۷، ۴۵۰، ۶۹۱، ۱۶۵، ۱۱۵۷، ۲۱۹، ۲۱۸، ۷۶۱، ۱۰۴۳ ق.م
- ۳- مواد ۶۵، ۴۷۴
- وصف غالب (بیان مورد یا موارد غالب یا اغلب) مفهوم ندارد یعنی در اقل و نادر مفهوم مخالف ندارد.
- اصول ۲۸ و ۳۸ ق.ا
- وصف توضیحی یا تأکیدی مفهوم ندارد
- تبصره ۱ ماده ۴۹ ق.م.ا
- ماده ۲۲۶ ق.ت
- ماده ۲۶ ق.م
- د - ۶: لقب = مطلقاً مفهوم ندارد و سست‌ترین مفهوم است (اثبات شی منفی ماعدا نمی‌کند)
مواد ۱۱۱۸، ۱۰۵۹، ۴۷۲ ق.م

ماده ۱۲۶ ق کار	عدد تمثیلی یا غیرحصری مفهوم ندارد (بیان حداقل یا حداکثر باشد)	عدد
اصول ۳۲، ۶۴، ۷۴ ق.ا		
مواد ۳۴۴، ۳۴۵، ۴۷۴ ق.آ.د.م		
مواد ۸۵۷، ۱۰۴۸، ۳۳۷ ق.م		
مواد ۶۸، ۲۳۲، ۱۱۴، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۷ ق.م.ا		
ماده ۱۷۴ ق.م.ا	عدد حصری باشد (منحصر باشد)	عدد
اصول ۶۳ و ۱۱۴ ق.ا		
مواد ۸۰۸، ۱۱۵۲ و ۱۱۵۴ ق.م		
ماده ۹۹ ق.آ.د.م	عدد غایی (غایت)	عدد
مواد ۶۵۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۵ ق.م.ا		
ماده ۳۹۸ ق.م		

فصل چهارم

الف: عام استغراقی (افرادی) (هر یک از افراد به نوبه خود - به تعداد امتثال و مخالفت داریم)

۱- اصل ۴۱ ق.ا

۲- مواد ۱۰۷۱، ۵، ۱۹۰، ۸۴۹ و ۶۹۶ ق.م

۳- ماده ۱۴۸ ق. کار

۴- ماده ۶ ق.ت

۵- ماده ۱۸ قانون تخلفات اداری (کلیه دستگاهها و سازمانهای اداری مشمول این قانون هستند)

ب: عام مجموعی (افرادش را من حیث المجموع و اتفاقاً در بر می‌گیرد) حتی با یک مخالفت حکم انجام نمی‌شود.

مواد ۵۹۱ و ۱۰۲۴ ق.م

مواد ۲۶۴ و ۲۳، ۶۵۱ ق.م.ا

اصول ۱۱۵، بند ۱ اصل ۱۰۹ ق.ا

ماده ۳۹۷ ق.ت

ج: عام بدلی (فردی غیرمعین از یک جمع که هر یک از افراد می‌تواند بدل و جانشین دیگری برای انجام آن فعل کفایت نماید)

مواد ۳۱۷، ۳۱۹ و ۱۲۴۸، ۱۶۵، ۴۴۵ ق.م

ماده ۵۱۵ ق.م.ا

ماده ۱۹۹ لایحه اصلاحیه قانون تجارت

نکته: اصل بر استغراقی یا افرادی بودن عام است اما در دو ماده اصل را بر مجموعی بودن قرار می‌دهیم

ماده ۸۵۴ ق.م و ماده ۶۶۹ ق.م

د: مخصص متصل

د - ۱: مخصص در حالت استثناء

ماده ۵ ق.م	مثلاً
ماده ۵ و ۶ ق.ت	
۱۲۸۹ ق.م	

د - ۲: مخصص متصل در حالت شرط

ماده ۴۱ ق.م.ا

ماده ۹۲۹ ق.م

ماده ۹۴۹ ق.م

د - ۳: مخصص متصل در حالت صفت

ماده ۹۵۴ و ۱۰۷۸ و بند ۳ ماده ۱۳۱۲

د - ۴: مخصص متصل به صورت غایت

ماده ۸۳۳ ق.م

ه: مخصص بعد از چند عبارت عام در موارد زیر چون موضوع مختلف است فقط به عبارت عام آخی برخورد کرده و آنرا تخصیص می‌زند.

مواد ۳۴۸ و ۸۱۸ ق.م

مواد ۱۶۵ و ۵۱۱ ق.م.ا

اصل ۱۶۴ ق.ا

ماده ۳۱۸ ق.ت

نسخ صریح شخصی و نوعی توأمان ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م.

ماده ۸ ق.م و ماده ۹۶۷ ق.م	تردید بین نسخ و تخصیص قانون مدنی وقانون امور حسبی راجع به مهلت دوسال بعد از غیبت مفقودالاثرا از تاریخ نشر آگهی که مبنی بر اولین آگهی و در قانون بر آخرین آگهی است.
ماده ۱۰۰۲ ق.م و ماده ۵۹۰ ق.ت	
ماده ۳۰۷ ق.م.ا و ۳۰۸ ق.م.ا	

مجمل و مبین و مطلق و مقید

لفظ نکاح در ماده ۱۰۶۲ ق.م مطلق است	مطلق و مقید
لفظ نکاح در ماده ۱۰۶۷ = مقید است (مقید به منقطع)	

۱۲۶۸ ق.م - ۱۲۶۳ ق.م - ۶۹ ق.م - ۹۵۷ و ۵۹ ق.م	مقید
اصل ۲۲ ق.ا - اصل ۲۷ ق.ا	
۸۰ و ۲۲۴ ق.م.ا - ۱۷۳ ق.م.ا	

ماده ۱۱۳۵ ق.م - ۲۰۳ ق.م	اطلاق استغراقی (افرادى)
اصل ۱۶۷ ق.ا (لفظ قاضی)	

اطلاق بدلی - ماده ۲۹۵ ق.م.ا (لفظ ديه)

۱۰۷۱ ق.م (جواز توکیل به غیر)	در مقام بیان بودن
۱۴۴ ق.م (جواز احیای زمین)	
۲۵۳ ق.ت (پرداخت هر پول)	

تعارض ماده ۱۷۹ و ۱۸۰ ق.م	تعارض بین مطلق و مقید
تعارض ماده ۸۸۰ و ۸۸۱ ق.م	
تعارض ماده ۱۷۴ و تبصره ق.م.	
تعارض مواد ۱۱۰ و ۱۱۱ ق.م.ا	

نص - ماده ۶۱۱ ق.م

ماده ۲۴۹ ق.ت (لفظ ظهرنویس)	مجمل
تبصره ۱ ماده ۲ آئین‌نامه اجرایی قانون استخدام قضات ۱۳۵۹ عبارت مدت قابل توجه	